

# ویژگی‌های فرهنگ سیاسی در جامعه آمریکا

دکتر محمود سریع القلم : استاد دانشگاه

آمریکا «تشکل» است. بدون آنکه قومیت و فرهنگ برای دیگران موضوعیت داشته باشد. البته در ناخودآگاه خود، جامعه آنگلساکسون آمریکا، بخش سیاه پوست، سرخ پوست و گاه مسلمانان را در خود ادغام روانی و اجتماعی کامل نکرده، ولی این گروه‌ها نیز این فرصت را دارند که با تشکل‌های خود اثر گذاری کنند و ذهنیت‌ها و تصمیم‌گیری‌ها را تغییر دهند.

یهودیان اروپایی از اواخر قرن نوزدهم به تدریج وارد آمریکا شده‌اند و در بخش‌های مهم جامعه مانند: دانشگاه‌ها، مراکز تحقیقاتی، صنعت، بانک‌ها، وکالت و مهم‌تر از همه، رسانه‌ها تشکیلات عظیمی را ایجاد کردند. این قدرت فکری، اقتصادی و رسانه‌ای به تدریج، جای پای خود را در سیاست و نظام حقوقی و سیاسی آمریکا پیدا کرده است و با اینکه یهودیان در آمریکا به لحاظ کمی ۳/۱ درصد کل جمعیت این کشور هستند، ولی به لحاظ کیفی و به واسطه قدرت مالی و تشکیلاتی و رسانه‌ای، پر نفوذترین تشکل اجتماعی، مذهبی و سیاسی به شمار می‌روند.

در واقع، در آمریکا حق تشکل و توان تشکل، تسهیل‌کننده و اثر گذار در فرآیند‌های متقابل جامعه با حکومت است و همین اصل به خودی خود، امنیت روانی و ثبات سیاسی به وجود می‌آورد. البته این چارچوب حقوقی به معنای آن نیست که حکومت گرایش‌ها و تعلقات و اولویت‌های خود را ندارد، بلکه نهادهای سیاسی مانند ریاست جمهوری و مجلس نمایندگان، مراکز چانه‌زنی و کش و قوس‌های سیاسی است و نتیجه تعاملات، تابع قدرت نهادهای از یک طرف و توانایی تشکل‌های مدنی از سوی دیگر است.

برای مثال در سال ۲۰۰۴، چند شرکت تولیدکننده نرم افزار کامپیوتری در یک دعوی حقوقی، توانستند دولت و قوه قضائیه آمریکا را در دادگاه متقاعد کنند که شرکت عظیم «مایکروسافت» در بازاریابی و فروش بعضی نرم افزارها جانب عدالت و انصاف را رعایت نکرده است و در نهایت، دولت شرکت مایکروسافت را مجبور کرد تا خسارت این شرکت‌ها را که بالغ بر میلیاردها دلار می‌شد، پرداخت کند.

اطمینان از اینکه دولت و قوه قضائیه ضرورتاً طرف قدرتمندان را همیشه نخواهند گرفت، آرامش روانی، اعتماد و ثبات سیاسی را تقویت می‌کند. آزمایش معیارهای انسجام یا عدم انسجام در این عوامل اعتماد و اطمینان روانی نهفته است، هرچند همه کشورها در حال تحول و تکامل هستند، ولی به نظر می‌رسد، نظام سیاسی آمریکا در این زمینه از ثبات بیشتری نسبت به سایر کشورها برخوردار بوده و ظرفیت روبه‌رو شدن با چالش‌ها و مشکلات تأمین و تقاضای مردم را دارد. در واقع مجموعه فرهنگ رفتاری که انسان‌هایی آمریکایی با خود چه آگاهانه و چه ناآگاهانه حمل می‌کنند، تحت تأثیر ساختار فرهنگ سیاسی این کشور معرف مجموعه‌ای از ارزش‌ها، ایستارها، خصلت‌ها و ساختارهای فرهنگی است که در نفوس و عقول آنها منعکس است. برای مثال جهت مخوف جلوه دادن نظام کمونیستی در شوروی سابق در ذهن مردم آمریکا، سیاستمداران دستگاه‌های تبلیغاتی آمریکا عمدتاً از «فقدان آزادی» و یا «حقوق بشر» که برای عامه مردم آمریکا نوعی ارزش به حساب می‌آید، بهره‌برداری می‌کنند و یا در عرصه اجتماعی و در نحوه مدیریت‌ها، تمامی کوشش‌ها معطوف به ایجاد راه حل برای رفع مشکلات است و این جمله که: «برای حل هر مشکلی راه حلی وجود دارد» در جامعه متنوع آمریکایی نهادینه شده است در حوزه اقتصاد نیز همانگونه که گفته شد، آموزشها در چارچوب سرمایه‌داری، تجارت و داد و ستدی استوار است که با رویکردهای گسترش ثروت و امکانات، از ویژگی‌های فکری، چانه‌زنی، مصالحه و رقابت برخوردار می‌باشد.

آمریکا جامعه‌ای متنوع است. تنوع قومی، ملی و مذهبی که از اوایل قرن نوزدهم با مهاجرت اروپائیان به این کشور آغاز شده و در اواخر قرن بیستم با مهاجرت آسیایی‌ها ادامه پیدا کرده است. روز به روز بیشتر می‌شود و در حال حاضر نزدیک به چهل درصد جامعه آمریکایی ریشه‌های غیر آنگلو ساکسون دارند و به رغم تنوع قابل توجه افراد و سوابق قومی، ملی و مذهبی جامعه آمریکایی در حفاظت از بعضی ویژگی‌های فرهنگ سیاسی، از خود پایداری نشان داده است. تحمل تنوع قومی و مذهبی، فرصت برای رشد عموم شهروندان، آزادی بیان و تشکل فعالیت‌ها برای تمامی اقشار اجتماعی، نمونه‌هایی از خصوصیات فرهنگ سیاسی این کشور است.

تداوم نظام سیاسی و نوع قانون اساسی در سایه مهاجرت‌های وسیع اروپائیان، آمریکایی لاتین و سرانجام آسیایی‌ها از جمله موضوعات قابل مطالعه در عرصه نظام سیاسی این کشور است.

فرهنگ سیاسی و نهادهای سیاسی و اجتماعی آمریکا، مبتنی بر «واقع‌گرایی» و یا به تعبیر دیگر به عنوان «کشور راه حل یابی برای مشکلات» است.

از این رو، فرهنگ سرمایه‌داری و گسترش ثروت و امکانات و نگاه غیر ایدئولوژیک به زندگی و سیاست از ویژگی‌های اصلی این فرهنگ است.

فرهنگ سیاسی آمریکائیان، ریشه در مبانی سرمایه‌داری و تجارت دارد و به گونه‌ای اثر می‌گذارد که افراد از ابتدا می‌آموزند که برای زندگی اجتماعی باید اهل داد و ستد فکری، چانه‌زنی، مصالحه و رقابت باشند. در هیچ جامعه صنعتی به اندازه آمریکا، تمایل و اصرار در تشکیک و سازماندهی و هارمونی آرا برای اثر گذاری در سیاست‌های محلی، ایالتی و فدرال وجود ندارد. زیرا به افراد از دوران کودکی می‌آموزند که باید هم فکران خود را جمع کنند، دستور کار مشخص کنند، تنظیم کار کنند، رایزنی نمایند و سپس از اهتمام تشکیلاتی خود پاسخ بگیرند. به همین جهت تعداد گروه‌ها و تشکل‌های سیاسی و غیر سیاسی این کشور به میلیون‌ها مورد می‌رسد.

نظام سیاسی آمریکاییان، کانون لابی‌هاست و گردهمایی که از نهنگ دریایی حمایت می‌کنند تا گروه‌هایی که در پی مسایل حقوق بشر در چین هستند، ادر بر می‌گیرد. سیاست گذاری در آمریکا تلفیقی از منافع ملی، منافع حزبی، منافع فردی سیاستمداران و اثر گذاری لابی‌هاست. به نظر می‌رسد که حاکمیت نظام سرمایه‌داری و فرصت تولید و توزیع ثروت در آمریکا، خود منبعی تعیین‌کننده در شکل‌گیری فرهنگ سیاسی این کشور شده است.

با توجه به اینکه مهم‌ترین خواسته انسان‌ها در دنیای جدید، تأمین منابع مالی و رفاهی زندگی است تا در سایه آن، هویت، قومیت، دین و علائق غیر مادی خود را پیگیری کنند، سیستم آمریکا با امکانات ممتاز در سطح جهانی در راستای تولید ثروت، توانایی جذب ملیت‌ها، قومیت‌ها و مذاهب مختلف در چارچوب یک نظام حقوقی در دفاع از نظام سرمایه‌داری است. در این اجماع کلان، هر کسی فرصتی برای خود پیدا می‌کند تا بدون آنکه با ویژگی‌های فرهنگ خود مداخله کند، ثبات قابل توجهی در این سیستم پدید بیاورد.

در نظام اجتماعی آمریکا، افراد می‌آموزند که اگر گروهی تشکیل دهند و خواسته‌های مدنی و منطقی داشته باشند، می‌توانند بر تصمیم سیاستمداران اثر بگذارند. این روش کار سیاسی که در ماهیت خود غیر ایدئولوژیک است، نوعی سهیل‌سازی کار سیاسی را فراهم آورده است. قبول کردن ناخودآگاه روش «اکثریتی» در حل و فصل اختلافات و توانایی در کوتاه آمدن، مصالحه و چانه‌زنی برای ایجاد فهم و عمل مشترک، آسان‌سازی کار سیاسی را دوچندان کرده است. از این رو، حلقه وصل جامعه و حکومت در